

## اقتضائات همنشینی «حکمت» و «کتاب» در قرآن در مسأله اثبات ولایت فقیه

غزاله رضایی<sup>۱</sup>

مهدی ایمانی مقدم<sup>۲</sup>

### چکیده

ولایت به معنای حکومت فقیه، در فقه و در کلام به روش نقلی و عقلی مورد توجه است. مسئله اصلی نوشتار حاضر، استنادات قرآنی دلایل عقلی مشروعیت ولایت فقیه با بررسی نحوی کاربرد «حکمت» و تطبیق آن با مسأله ولایت است. در قرآن، کتاب و حکمت همنشین، به معنای قرآن و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است. این حکمت را انبیا توسط وحی و امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم توسط عقل و نقل دریافت می‌کنند. بنابراین حجیت عقل برای مشروعیت ولایت بعد از معصوم نیز ادامه دارد. از سوی دیگر حکمت به معنای ولایت به دلیل همنشینی با کتاب به معنای قرآن، نمی‌تواند هر نوع حکمت و ولایتی باشد. زیرا قرآن ولایت مخالف و ضد خدا و خدایی خدا را نهی می‌کند. بنابراین می‌توان از همنشینی «حکمت» و «کتاب» در قرآن، حجیت ولایت حتی در زمان غیبت امام معصوم و برای ولایت ولی فقیه را استنتاج کرد.

### واژگان کلیدی

حکمت، ولایت، ولایت فقیه، دلایل عقلی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Email: shokret\_mehraboon@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اراک، اراک، ایران.

Email: m.moghadam90@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۵

## طرح مسأله

از تحقیق در کلمات فقها و روایات به دست می‌آید که نظریه ولایت فقیه به عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم برمی‌گردد. در واقع بر اساس روایات وارده از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومین علیهم السلام و رویه‌ی عملی آن بزرگواران در رابطه با نصب‌های عام آن‌ها، نه تنها این نصب‌ها و اعطای مسئولیت‌ها از دایره‌ی فقیه عادل خارج نیست، بلکه تنها شامل ایشان است. (اراکی، ۱۴۲۵ق)

ولایت به معنای امارت و حکومت برای فقیه از دیدگاه نقلی و عقلی یا فقهی و کلامی مورد توجه قرار گرفته است. علم کلام، علمی است که درباره‌ی اسماء، صفات و افعال خداوند سبحان سخن می‌گوید و علم فقه، علمی است که در رابطه با افعال مکلفین بحث می‌کند. بنابراین هر مسئله‌ای که در آن از «فعل الله» بحث شود، مسئله‌ای کلامی است و هر مسئله‌ای که در آن از «فعل مکلفین» بحث شود، مسئله‌ای فقهی است. بنابراین ولایت فقیه هم می‌تواند به عنوان تکلیف خود فقیه و مسلمین در فقه مورد بحث قرار گیرد و هم به عنوان ادامه ولایت تشریحی خداوند در علم کلام مورد مذاقه باشد چرا که تمایز علوم به موضوع آن است.

اما برخی تصور کرده‌اند که امتیاز علمی مانند کلام و فقه وابسته به شیوه استدلال است، به این بیان که هر مسئله‌ای که دلیل عقلی بر آن اقامه شود، کلامی است و هر مسئله‌ای از طریق نقل ثابت شود، آن مسئله فقهی است. اما این تصور درستی نیست، زیرا ممکن است دلیل عقلی در هر دو علم، اعم از کلام و فقه اقامه شود. در واقع ممکن است دلیل یک مسئله فقهی فقط عقلی باشد. از سوی دیگر صرف عقلی بودن دلیل، کلامی بودن مسئله را اثبات نمی‌کند. (حسینی ترکستانی، ۱۳۸۳ش، ص ۷۰)

با توجه به این نگرش، نظرات علما را در رابطه با فقهی یا کلامی دانستن ولایت فقیه به دو دسته تقسیم کرده‌اند: ۱- عده‌ای معتقد به فقهی بودن ولایت فقیه‌اند. ۲- عده‌ای معتقد به کلامی - فقهی بودن مسئله ولایت فقیه‌اند. که بر اساس آنچه گفته شد این تقسیم بندی اشکال دارد. فقهی بودن ولایت فقیه به معنای بحث از وظیفه فقیه در اقدام برای کسب این ولایت و نیز وظیفه مردم در اطاعت و قبول ولایت است. (مومن، ص ۶)

اما اگر بخواهیم ولایت فقیه را در علم کلام بررسی کنیم، دیگر ثقل بحث بر روی تکلیف فقیه یا مردم نخواهد بود؛ بلکه براساس تعریف علم کلام، اینبار باید از مشروعیت ولایت فقیه بحث نمود که آیا می‌توان در یکی از اصول دین جایگاهی برای آن یافت و آیا در این زمینه، اقدامی از سوی خداوند (الوجوب عن الله) الزام است؛ مثل نصب عام فقیه؟ (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش، ص ۳۵۷)

بر اساس این تعاریف پذیرش فقهی بودن ولایت فقیه، منوط به پذیرش کلامی بودن ولایت فقیه است. زیرا تا مشروعیت ولایت فقیه پذیرفته نشده باشد، بحث در رابطه با احکام فقهی ولایت فقیه خالی از فایده است. در پژوهش‌هایی به کلامی و فقهی بودن ولایت پرداخته شده است که به تعدادی از آنها می‌پردازیم.

حسین علی منتظری، کتاب مبانی فقهی حکومت اسلامی، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷. موضوع این کتاب فقه حکومت و مباحث مربوط به دولت و اختیارات و مسئولیت‌های ولی فقیه و ادله‌ی مربوط به اثبات ولایت فقیه می‌باشد. نویسنده-ی این کتاب به شیوه‌ی عقلی و نقلی به تبیین مسأله ولایت فقیه می‌پردازد. او دیدگاه اساتید علمی نظیر ملا احمد نراقی و شیخ مرتضی انصاری را مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

عبدالله جوادی آملی، کتاب ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت. قم: اسراء، ۱۳۷۹. از منظر آیت الله جوادی آملی کلامی بودن ولایت فقیه، از کلامی بودن امامت سرچشمه می‌گیرد و با آنکه اثبات ولایت و تعیین امامت پس از نبوت از سوی خداوند، یک مسئله کلامی است، ولی در عین حال در فقه نیز از آن بحث می‌شود، هم از وظیفه امام در پذیرش امامت و هم از وظیفه مردم در اطاعت از امام خود.

اصغر کدخدایی الیادرا نی. کتاب بررسی تطبیقی نظریه ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی، شیخ انصاری و آیت الله خویی، قم: دانشگاه تهران، پردیس قم، ۱۳۸۸. از نظر مولف این کتاب ولایت فقیه تا قبل از مرحوم نراقی، همواره در کتب علما به صورت پراکنده و به مناسبت در ابواب مختلف فقهی مورد بررسی قرار می‌گرفت. اما ملا احمد نراقی، نخستین فقیه‌ی است که بحث مستقلی را در کتاب خود به ولایت فقیه اختصاص

می دهد. از نظر نویسنده، با توجه به قسمت هایی از کلام شیخ در بحث ولایت فقیه و شواهد دیگری از سایر کتب ایشان، نمی توان با قطع و یقین گفت ملا احمد نراقی زعامت و رهبری سیاسی فقیه را قبول ندارد و شیخ انصاری ولایت فقها را محدود به حفظ اموال غیب و قصر و امثال اینها می داند.

محمد هادی معرفت، کتاب ولایت فقیه، انتشارات ذوی القربی، ۱۳۹۰. استاد معرفت در این اثر معتقد است، مساله‌ی ولایت فقیه گرچه ریشه‌ی کلامی دارد اما جنبه‌ی فقهی آن باعث شده است تا فقها از روز نخست در ابواب فقهی از آن بحث کنند و موضوع ولایت فقیه را در هر یک از مسائل مربوطه روشن سازند و اجرای احکام و حدود و احکام انتظامی اسلام را که وظیفه‌ی سلطان اسلام است و در عصر حضور بر دست امامان معصوم و نایبان خاص آنان اجرا می گردد، در دوران غیبت، به فقهای شیعه واگذار شود.

محمد محمدی اشتهازدی، مقاله ولایت فقیه و اختیارات او از دیدگاه مرجع بزرگ، نراقی، نشریه پاسدار اسلام، ش ۲۴۸، ۱۳۸۱. از نظر نویسنده، اکثریت قاطع فقها بلکه همه فقهای شیعه، اصل ولایت فقیه جامع شرایط را در عصر غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پذیرفته اند، ولی در مورد حدود قلمرو آن، نظریات مختلفی وجود دارد، در میان فقهای بزرگ، مرحوم محقق بزرگ ملا احمد نراقی با دلایل مختلف فقهی، عقلی و کلامی ثابت کرده که ولایت فقیه جامع شرایط، مانند ولایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیه السلام، جز در موارد نادر ثابت است.

حسین مظاهری، مقاله ولایت فقیه از منظر عقل و قرآن، نشریه حکومت اسلامی، شماره پانزدهم، بهار ۸۹. نویسنده معتقد است دلایل عقلی متعددی برای اثبات ولایت فقیه بیان شده است، اما فقیهان به آیات قرآن استناد نکرده اند. او در مقاله خود به شماری از آیاتی که دلالت بر ثبوت ولایت برای فقیه دارند اشاره می کند.

بنابراین مسئله‌ی ولایت فقیه از نظر کلامی و فقهی مورد توجه قرار گرفته است. اما نکته حائز اهمیت این است که هر کدام از مباحث فقهی ولایت فقیه و کلامی ولایت فقیه می توانند از دیدگاه دلایل عقلی و نقلی مورد بررسی قرار بگیرند. که بر این اساس، این مباحث به چهار گروه تقسیم می شود. ۱- دلایل نقلی مباحث فقه ولایت فقیه ۲- دلایل

عقلی مباحث فقه ولایت فقیه ۳- دلایل نقلی مباحث کلام ولایت فقیه ۴- دلایل عقلی مباحث کلام ولایت فقیه.

در رابطه با حجیت دلایل نقلی که مربوط به مورد ۱ و ۳ می شود، شرایط کلی مطرح در علوم مربوط به حجیت نقل، حاکم است، مانند: علم درایه و رجال برای حجیت حدیث. در رابطه با حجیت مباحث فقهی که مربوط به مورد ۱ و ۲ می شود، شرایط کلی حجیت در فقه، حاکم است، مانند ادله اربعه معتبر فقهی برای استنباط احکام شرعی. اما به حجیت دلایل عقلی مباحث کلامی ولایت فقیه پرداخته نشده است.

همچنین قرآن کریم به عقل و دلایل عقلی حجیت داده است و این امر در نوشته ها و آثار علمی مورد توجه قرار گرفته است. اما آنچه در این پژوهش مورد توجه است، مشخصا حجیت دلایل عقلی، صرفا برای مشروعیت ولایت فقیه در آیات قرآن کریم است که تا به حال مورد توجه قرار نگرفته است.

علاوه بر اینکه با بررسی نوشته ها و آثار علمی فقها، می یابیم ایشان کمتر برای اثبات ولایت فقیه، به قرآن کریم استناد کرده اند؛ برخی از متأخرین مانند ملا احمد نراقی و برخی معاصرین مانند امام خمینی در این باره به طور گسترده سخن گفته اند، اما همگی در عدم استناد به آیات قرآن کریم برای اثبات امر ولایت، مشترک هستند. اما اخیرا پژوهش هایی انجام شده است که شماری از آیات قرآن کریم بر ثبوت ولایت فقیه را بیان می کند. بنابراین، این یک بحث نو است. (مظاهری، ۱۳۸۹، ش، ص ۱۷) اما در این پژوهش آنچه مورد بررسی قرار می گیرد، حجیت دلایل عقلی ولایت فقیه با استفاده از آیات قرآن کریم است.

در این پژوهش با مخاطب شناسی آیاتی که حکمت در کنار کتاب آمده است و شناخت ویژگی های کتاب و حکمت در آیات، به حجیت دلایل عقلی برای مباحث کلامی ولایت فقیه می پردازیم. به بیان دیگر با توجه به موضوع علم کلام به مشروعیت دلایل عقلی جهت ثبوت ولایت فقیه با توجه به همنشینی حکمت و کتاب در آیات قرآن کریم می پردازیم.

## ۱. تعریف مفاهیم

### ۱-۱. کتاب در لغت

کتاب به معنای ضمیمه سازی چیزی به چیز دیگر (ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۱۹۶) و به معنای مکتوب (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ج ۱، ص ۱۱۶) آمده است. احمد بن فارس در این باره می‌نویسد: (ک، ت، ب) اصل صحیح واحد يدلّ علی جمع شیء الی شیء. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۵۸) اصل (ک، ت، ب) بر ضمیمه چیزی با چیزی دلالت می‌کند. بنابراین لغت شناسان معنای اصلی "کتاب" را جمع و انضمام دانسته‌اند.

با توجه به معناهای باز گفته: معنای وضعی اولیه‌ی کتاب، نه نوشتن و نوشتار است و نه مجموعه‌ی مدون بین دو جلد، این واژه در اصل به معنای انضمام و جمع بین دو چیز وضع شده است. اما در رابطه با ارتباط نوشتن و انضمام؛ تردیدی نیست که اکنون رایج‌ترین معنا در کاربرد واژه‌ی کتب و مشتقات آن، نوشتن است. با توجه به اینکه معنای اصلی و «موضوع له» اولیه‌ی این واژه، انضمام است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ارتباطی بین «نوشتن» و «انضمام» وجود دارد؟ راغب اصفهانی، این ارتباط را چنین بیان می‌کند: «و فی التعارف ضمّ الحروف بعضها الی بعض بالخطّ» (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۹) در عرف زبان، به انضمام حروف به یکدیگر با خط، کتابت گفته می‌شود.

بنابراین معنای اصلی کتاب، جمع و انضمام است که غالباً برای انضمام حروف به یکدیگر به کار می‌رود.

### ۱-۲. کتاب در قرآن

واژه‌ی «کتاب» در قرآن کریم ۲۴۷ بار در هیئت و ساختار مختلف به کار رفته است. از جمله معانی کتاب در قرآن، لوح محفوظ، فریضه کردن، حکم راندن، جعل کردن، امر کردن (تفلیسی، ۱۳۵۹ش، ص ۲۴۸)، کارنامه اعمال انسان و از همه مهم‌تر قرآن، تورات و انجیل است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۳۲۰ الی ۳۳۲).

### ۱-۳. حکمت در لغت

برخی لغت‌شناسان که به ریشه اصلی واژه‌ها توجه دارند، معنای اصلی و اولیه حکمت را منع و جلوگیری بیان کرده‌اند و معتقدند که حکم (حکم قضایی) از آن مشتق شده و به

معنای چیزی است که از ظلم جلوگیری می‌کند. حکمت نیز بر همین قیاس است و به معنای چیزی است که از جهل جلوگیری می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۴۰) فیومی ضمن تأیید مطالب فوق، بر آن است که وجه تسمیه حکمت آن است که حکمت، حکیم را از اخلاق ناپسند منع می‌کند. (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۵)

نتیجه این بررسی لغوی نشان می‌دهد: برای حکمت معنای منع و جلوگیری در تمام معانی لغوی ذکر شده، مشترک است. همچنین معنای جلوگیری برای اموری که بار منفی دارند به کار می‌رود.

#### ۴-۱. حکمت در قرآن

واژه‌ی حکمت در قرآن ۲۰ بار به کار رفته است. حکمت از ریشه‌ی "ح، ک، م" است که مشتقات آن ۲۱۰ بار در قرآن آمده است. در تفاسیر برای واژه‌ی حکمت معانی بسیار متعدد و متفاوتی بیان شده است. از جمله این معانی که مفسران برای مفهوم حکمت در قرآن بیان کرده اند، عبارت است از: حق به معنای رأی و اعتقاد مطابق با واقع که لازمه آن کمال باشد (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۷۱)، معرفت نافع (همو، ج ۱۶، ص ۲۱۵)، نوعی احکام و اتقان که خللی در آن نباشد و غالباً در عقلیات صادقی که احتمال خطا در آن راه ندارد، استعمال شود (همو، ج ۲، ص ۳۹۵)، مجموعه‌ای از معرفت، علم، اخلاق پاک، تقوا و نور هدایت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۷، ص ۳۶)، علوم قرآن، قول و فعل صادق، دانش دین، نبوت، معرفت به خدا، فهم، ترس از خدا، دانشی که خدا به پیامبران و امت‌هایشان داده که آنها را به معرفت خدا و دین راهنمایی کند و طبری بعد از بیان این اقوال، جامع آنها را این معنا می‌داند: علمی که سودش چشمگیر و بسیار باشد (طبری، ۱۳۶۰ش، ج ۲، ص ۶۵۹).

نتیجه‌ی این بررسی نشان می‌دهد: حکمت در قرآن، مجموعه‌ای بسیار نافع است که در آن خطایی نیست.

#### ۵-۱. ولایت در لغت

ولایت با فتحه به معنای محبت و با کسره به معنای تولیت و سلطنت است و والی کسی را گویند که زمام امور دیگری را به دست خود گیرد و عهده دار آن گردد.

(طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۴۵۵) در معنای سیاسی - اجتماعی این مفهوم که در قرآن نیز به کار رفته است، «سرپرستی» و «رهبری» در نظر گرفته شده است. (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۵۷۰)، (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۴۱)

## ۱-۶. ولایت در قرآن

ولایت از ریشه "و،ل،ی" است که ولایت در قرآن ۲ بار و مشتقات ولی بسیار در قرآن آمده است.

حقیقت ولایت در قرآن از جایگاه بلند اعتقادی و محتوای عمیق ارزشی برخوردار است و از ذخایر و گنجینه‌های نهفته در درون و باطن عالم و آدم حکایت می‌کند، که آن نیز از سرچشمه حقایق باطنی جهان و کنه وجود عالم و نیز مبدأ اعلای فیض، یعنی وجود واجب تعالی فیضان کرده و جان و جهان را حیات بخشیده و بر هر آنچه هست، از مُلک و ملکوت، غیب و مشهود، تکوین و تشریح سیطره پیدا کرده است. (ابراهیم زاده)

مقام امامت و خلافت کلی الهی است و خلافتی است تکوینی که به آن جهت جمیع موجودات و ذرات در برابر «ولی امر» خاضعند. خداوند همان ولایت تکوینی و تشریحی که خودش دارد، همان ولایت را بدون این که جدا کند برای پیغمبر و امام علیه السلام ثابت کرده است و فرموده: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ...» و البته معلوم است که «ولایت خدا» اصلی و حقیقی است و ولایت امام علیه السلام تبعی است و از شئون ولایت خداوندی است و از آن مستقل و جدا نیست. (نراقی، ۱۳۶۹ش، ص ۱۳۰)

لذا قرآن در آیات دیگری تصریح نموده که ولایت با همه اقسام و ابعادش بالاستقلال و بالاصاله برای خداوند که خالق و موجد جهان هستی و جهانیان است، می‌باشد. از جمله آیات زیر است: «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْوَلِيُّ (شوری/۹) آیا آنها غیر خدا را ولی خود برگزیدند؟! در حالی که ولی فقط خداست. "هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ (کهف/۴۴) سرپرستی خاص خدای به حق است.



## ۲. مخاطبان تعلیم حکمت همنشین کتاب در قرآن

با مطالعه آیاتی که کتاب و حکمت را در کنار هم دارند، می‌توان به دو سوال پاسخ

داد:

۱\_ از منظر قرآنی جامعه هدف تعلیم کتاب و حکمت در طول تاریخ چه کسانی

بودند؟

در هر آیه‌ای از قرآن کریم که کتاب و حکمت در کنار هم آمده‌اند، دریافت‌کننده آن دو، فقط انبیاء (علیهم السلام) هستند. (آل عمران/ ۴۸ و ۸۱ و مائده/ ۱۱۰)، به جز امت خاتم المرسلین که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مأمور به تعلیم کتاب و حکمت به آنها بودند (بقره/ ۲۳ و ۱۲۹ و ۱۵۱، آل عمران/ ۱۶۴، نساء/ ۵۴ و ۱۱۳ و جمعه/ ۲). اما تا قبل از ایشان، انبیا علیهم السلام تنها دریافت‌کنندگان حکمت از جانب خداوند بودند و آگاهی از کتاب و حکمت رمز و دلیل نبوت و ملاکی جهت تشخیص پیامبر بعدی توسط پیامبر قبلی بود.

۲\_ معنای کتاب و حکمتی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مأمور به

تعلیم آن بوده‌اند، چه چیزی است؟

با توجه به آیات و روایات مرتبط با رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تطبیق تعلیم قرآن با تعلیم کتاب امری روشن و واضح است. اما خصوصیات تعلیم حکمتی که در کنار کتاب آمده است، عبارتند از:

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان تنها پیامبری است که مأموریت تعلیم کتاب و حکمت را به مردم داشت (بقره/ ۱۲۹ و ۱۵۱، آل عمران/ ۱۶۴ و جمعه/ ۲) و مأمور به تعلیم عموم مسلمین، حتی مدعیان اسلام بود (قمر/ ۵). اما به جز اولوالالباب از آن متذکر و بهره‌مند نمی‌شوند (بقره/ ۲۶۹). مأموریت تعلیم کتاب و حکمت توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند، امری لازم و موکد و به عنوان نعمت و منت الهی است که خداوند تعلیم آن را بر عهده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌گذارد و بشر بدون این منت الهی امکان دستیابی و بهره‌مندی از آن را ندارد (آل عمران/ ۱۶). اختصاص کتاب و حکمت به امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، مورد حسادت یهودیان قرار

گرفت. (نساء / ۵۴)

با توجه به خصوصیات ذکر شده و روایتی از ابن عباس که صریحا به این مسئله اشاره می‌کند و در رابطه با آیه‌ی ۱۶۵ آل عمران می‌فرماید: در این آیه کتاب به معنای قرآن و حکمت به معنای ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است. (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۷۳) در قرآن کریم هر گاه حکمت در کنار کتاب آمده است، به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام اشاره می‌نماید. (رضائی، ۱۳۹۹ش، ۱۶۳)

### ۳- مقایسه تعلیم کتاب و حکمت برای انبیا (ع) و امت پیامبر اسلام(ص)

با توجه به آیات قرآن کریم تفاوت‌های تعلیم کتاب و حکمت به انبیا علیهم السلام با تعلیم کتاب و حکمت به امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به شرح زیر است:

۱- انبیا علیهم السلام تنها دریافت کنندگان حکمت همنشین کتاب بودند و ماموریت تعلیم آن به امت‌های خود را نداشتند. همان‌طور که خداوند در آیه‌ی ۸۱ سوره‌ی آل عمران در رابطه با پیمانی که از انبیا علیهم السلام در رابطه با کتاب و حکمت گرفته است، می‌فرماید: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ تُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ» و در ادامه این آیه خطاب به انبیا می‌فرماید: «قَالَ أَ أَفَرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَيَّ ذَلِكُمْ إِصْرِي ...» که در آیه‌ی ۸۴ همین سوره پاسخ انبیا علیهم السلام را اینگونه بیان می‌کند: فرمود «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا...»

در واقع با نظر به میثاقی که در این آیه خداوند از پیامبران گرفته است که هر گاه کتاب و حکمت به شما دادم، آن گاه پیامبری نزد شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید، گویا آگاهی از کتاب و حکمت، رمز و دلیلی بر نبوت است که ملائک تشخیص انبیا بعدی توسط انبیا قبلی است. بنابراین تا زمانی که ارسال رسل ادامه دارد، این آگاهی به مردم نمی‌رسد، زیرا اگر غیر نبی آن را دریافت کند و در انحصار انبیا نباشد، این ملائک نمی‌تواند ملائک شناخت نبی بعدی توسط نبی قبلی قرار گیرد. علاوه بر اینکه در هیچ آیه‌ای انبیا علیهم السلام به جز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، مامور به تعلیم حکمت به امت خود نبودند. همچنین از این آیه دریافت می‌شود، عموم انبیا مورد تعلیم حکمت قرار گرفته‌اند. بنابراین تعلیم حکمت تا قبل از پیامبر

صلی الله علیه و آله و سلم از طریق وحی و نقل و تنها برای انبیا علیهم السلام بوده است. اما پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، ماموریت تعلیم آن را به عموم امت داشتند و در آیات قرآن کریم ماموریت ایشان برای مخاطبین مختلف و گسترده ای بیان شده است و هیچ کدام از آیات، گروه یا افرادی را از آن استثنا نکرده اند. (بقره/ ۱۲۸ و ۱۲۹)

۲- تعلیم کتاب و حکمت به انبیا علیهم السلام از جانب خداوند و در قالب وحی است (بقره/ ۲۵۲ و آل عمران/ ۴۸ و نساء/ ۱۱۱ و ص/ ۲۰). بنابراین، نبوت انبیا شرط دریافت حکمت بوده است.

اما تعلیم کتاب و حکمت به امت مسلمان از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده است. با توجه به آیه‌ی ۲۶۹ بقره که بعد از منوط کردن عطای حکمت به خواست خداوند و خیر کثیر خواندن آن، می‌فرماید: «وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»، پذیرفتن، متذکر شدن و بهره مندی از کتاب و حکمت مخصوص صاحبان خرد است. همچنین در حدیث مشهوری که در آن جنود عقل و جهل بیان شده است، حکمت از جنود عقل، در مقابل هوی از جنود جهل قرار گرفته است. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۲ و ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۲) و در احادیث زیادی حکمت از آثار عقل شمرده شده و هوی، هوس و شهوت ضد عقل بیان گردیده است. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۳) بنابراین بعد از انبیا علیهم السلام عقل شرط پذیرش حکمت که با توجه به آنچه بیان شد، ولایت امام علی علیه السلام است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آن را در کنار قرآن تعلیم داده است.

#### ۴- علت تغییر مخاطب حکمت همشین کتاب بعد از پیامبر (ص)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طریق وحی، قرآن و ابلاغ ولایت را دریافت می‌کند و ماموریت می‌یابد آن دو را به عموم امت تعلیم دهد. با این بیان تا قبل از ابلاغ ولایت توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، وحی، تنها طریق دریافت ولایت بوده است. بعد از ابلاغ ولایت امیر المومنین علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مخاطب یعنی امت مسلمان معاصر ایشان، اولین گروهی هستند که با مسئله ولایت از طریق وحی آشنا می‌شوند. آیه‌ی ۲۶۹ بقره می‌فرماید: خداوند حکمت را به هر که بخواهد می‌دهد و هر که صاحب حکمت شد، به تحقیق خیر فراوان به او داده شده، سپس

می‌فرماید: «ما يَذْكُرُ إِلَّا أَوْلُوا الْأَلْبَابِ» در واقع وسیله‌ی دریافت حکمت که همان ولایت است را عقل و خرد بیان می‌کند. این مطلب به عقل در کنار نقل در رابطه با پذیرش ولایت حجیت می‌دهد.

بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با ابلاغ ولایت امیر المومنین علیه السلام به عموم امت مسلمان، به عقل به عنوان وسیله‌ی برای پذیرش ولایت حجیت می‌دهد، اما در این قسمت این سوال مطرح می‌شود که این حجیت برای دلایل عقلی پذیرش ولایت تا چه زمانی ادامه می‌یابد؟ به عبارت دیگر صرفاً مربوط به پذیرش ولایت امیر المومنین علیه السلام است یا این حجیت ادامه می‌یابد؟

### ۵- روند حجیت عقل برای پذیرش ولایت

با توجه به آیه ۸۱ سوره‌ی آل عمران، همان طور که اشاره کردیم شناخت کتاب و حکمت، دلیل شناخت انبیا بعدی توسط انبیا قبلی بوده است. بنابراین از زمان حضرت آدم علیه السلام، تمام انبیا علیهم السلام کتاب و حکمت را از طریق وحی دریافت کرده‌اند و این شیوه دریافت نقلی تا زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ادامه می‌یابد. اما ایشان بعد از دریافت کتاب و حکمت از طریق وحی، ماموریت تعلیم آن به عموم امت را می‌یابد.

در رابطه با ادامه‌ی روند تعلیم کتاب و حکمت دو احتمال به وجود می‌آید:

۱- فرض اول: تعلیم کتاب و حکمت از آغاز خلقت به وسیله‌ی وحی بر انبیا علیهم السلام آغاز می‌شود و آگاهی از آن تا زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به صورت انحصار در انبیا علیهم السلام ادامه می‌یابد و با ارسال آخرین پیامبر از انحصار انبیا علیهم السلام خارج می‌گردد و با حجیت یافتن عقل در کنار نقل، امت صلاحیت شناخت ولایت امیر المومنین علیه السلام و به دنبال آن ولایت ۱۲ امام را پیدا می‌کنند. اما در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در رابطه با شناخت ولایت، حجیت عقل بشر از بین می‌رود و صرفاً حجیت نقل باقی می‌ماند.

۲- فرض دوم: وحی وسیله‌ی تعلیم کتاب و حکمت به انبیا علیهم السلام از آغاز خلقت تا زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده است. با تعلیم کتاب و حکمت به

معنای قرآن و ولایت، عقل در کنار نقل جهت اثبات ولایت حجیت می‌یابد و حجیت عقل در کنار نقل از بین نمی‌رود.

لازمه فرض اول، نقض غرض و مخالف حکمت خداوند است که محال است. بنابراین فرض دوم صحیح است و روش قرآن در حجیت بخشیدن به دلایل عقلانی پذیرش ولایت به جهت سلامت و خاتمیت قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی روش قابل استناد و متقن است. بنابراین بر اساس آیات قرآن کریم عقل در کنار نقل جهت اثبات ولایت حجیت می‌یابد. در ادامه به شرایط ولایت در قرآن می‌پردازیم.

## ۶- حجیت قرآنی فقیه بودن ولایت

در ادامه به دلایل قرآنی فقیه بودن ولی، با توجه به همنشینی حکمت و کتاب در قرآن کریم می‌پردازیم. عموماً مفسران، کتاب همنشین حکمت را در این آیات به قرآن تفسیر نموده‌اند. (میبدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۳۶۸. همان، ج ۱۰، ص ۹۵ و ۹۶. طبرسی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۸۰. طوسی، ج ۱، ص ۴۶۷. همان، ج ۲، ص ۲۹. رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۹، ص ۷۷ و ۸۰) حکمت نیز با توجه به آنچه گفته شد به معنای ولایت است.

تا اینجا حجیت دلایل عقلی برای ولایت را بیان کردیم. در این قسمت با این سوال مواجه می‌شویم: آیا این ولایت که قرآن برای شناخت آن بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عقل حجیت می‌دهد، ولایت و زعامت به صورت کلی است یا شرایط خاصی دارد؟ یا به عبارتی دیگر شامل ولایت طاغوت هم می‌شود یا صرفاً برای ولایت در راستای ولایت الهی است؟

در رابطه با فقیه بودن ولایت، دلایل عقلی متعددی بیان شده است. همچنین اخیراً دلایل قرآنی برای ثبوت فقیه بودن ولایت نیز مورد توجه قرار گرفته است. اما در این قسمت از پژوهش با نگاه به همنشینی حکمت و کتاب به این بحث می‌پردازیم.

قرآن کریم در آیه ۶۰ سوره نساء می‌فرماید: **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّحِكُمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (نساء/ ۶۰)** آیا ندیدی آن‌هایی را که گمان می‌کنند به قرآن و تورات و انجیل ایمان آورده‌اند و می‌خواهند مرا فاعله را پیش طاغوت

ببرند، حال آنکه به آنها امر شده است که به طاغوت کافر گردند و شیطان می‌خواهد آنها را به بیراهه دوری بکشاند و گمراه سازد.

بنابر این آیه، لازمه پذیرش کتاب، پذیرش حکم و ولایت پیامبر و جانشینان اوست و مساله توأمان بودن کتاب و حکمت (ولایت) از آیه قابل استنتاج است. بنابر این اگر حکمت را در آیاتی که همنشین کتاب است، به معنای ولایت الهی در نظر بگیریم، متناسب همنشینی با کتاب به معنای قرآن است، اما اگر به معنای ولایت به صورت کلی در نظر بگیریم که شامل ولایت الهی و ولایت طاغوت می‌شود، به لحاظ معنایی متناسب همنشینی با کتاب به معنای قرآن نیست. زیرا این آیه حرمت مراجعه به طاغوت را نشان می‌دهد و طاغوت در فرهنگ قرآن، شامل هر مخالف و ضد خدا و خدایی خدا می‌شود.

خداوند در سوره‌ی بقره طاغوت را اینگونه معرفی می‌کند: اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره/۲۵۷) خدا یار کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنان را از تاریکی‌ها بیرون آورده و به سوی نور می‌برد و کسانی که کافر شدند یارانشان شیطان و طغیانگران‌اند که آنها را از عالم نور به ظلمات و تاریکی‌ها می‌برند، اینان اهل آتش و در آن برای همیشه خواهند بود.

با در کنار هم قرار دادن این دو آیه، به این استنباط می‌رسیم که مراجعه به طاغوت (انکار ولایت خدا) و اعتقاد به طاغوت، انسان را از نور به تاریکی می‌برد و سرانجام آن، جاودانگی در آتش است. بنابراین ولایتی که قرآن برای شناخت آن بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عقل حجیت می‌دهد، نمی‌تواند هر ولایتی باشد و در واقع صفات سلبی آن مشخص شد. در این قسمت با این پرسش مواجه می‌شویم صفات ثبوتی این ولایت چیست؟

از سوی دیگر خداوند در آیه‌ی ۸۳ سوره‌ی نساء می‌فرماید: وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْرِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَاعَوْا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا. و هنگامی که ایشان را خبری از امنیت یا ترس و ناامنی برسد، آن را منتشر می‌سازد و اگر آن را به پیامبر و اولو

الامر، رد می کردند، آنهایی که از ایشان پرسش می کنند، می فهمیدند و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، شیطان را پیروی می کردند.

در این آیه خداوند فرمان می دهد که مسلمانان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مراجعه نمایند، در صورتی که این امر ممکن نباشد، باید به اولی الامر که جانشین آن‌ها هستند، مراجعه شود. با توجه به *الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ* منظور از *أُولَى الْأَمْرِ*، کسی است که اسلام را بشناسد و نیازهای جامعه را بشناسد که این شرایط در ولایت مجتهد جامع الشرایط جمع شده است. علاوه بر اینکه عقل حکم می کند که نمایندگان امام معصوم در زمانی که حکومت از دست آنان خارج شده، فقیهانی عادل، مدیر و مدبر هستند. روایت مقبوله عمر بن حنظله نیز این حکم را تأیید می کند. امام صادق علیه السلام در این روایت می فرماید: «کسی که در حلال و حرام ما خوب بنگرد (تأمل و استنباط کند)، ... باید او را به داوری برگزینند... همانا من او را حاکم بر شما قرار داده ام.» (حرعاملی، ۱۳۶۷ق، ج ۱۳۶، ص ۲۷)

بنابراین، انسان از مراجعه به حاکم و حکومت بی نیاز نیست و قرآن مراجعه به طاغوت و حکومت‌های غیر مشروع را نهی کرده است. عقل انسان نیز از کنار هم قرار دادن این دو مقدمه، به وجوب نصب حاکم الهی حکم می کند؛ حاکمی که مراجعه به وی، مراجعه به طاغوت نباشد و چنین فردی، همان فقیه جامع شرایط فتوا است.

در واقع کتاب همنشین حکمت به معنای قرآن با ولایت طاغوت به معنای آنچه که مخالف و ضد خدا است، مخالفت می کند و از سوی دیگر ولایت در راستای ولایت الهی را تأیید می کند. از آنجایی که کتاب و حکمت به معنای قرآن و ولایت، در آیاتی همنشین شده اند، نمی توانند ناقض و نافی یکدیگر باشند. به بیان دیگر نمی توانیم حکمت را به معنای هر ولایتی که شامل ولایت طاغوت و ولایت در راستای ولایت الهی است، بگیریم. بنابراین آنچه گفته شد، ولایتی که قرآن برای مشروعیت آن بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عقل حجیت می دهد، ولایت فقیه است که در راستای حکومت الهی است.

## نتیجه گیری

مسائل کلامی و فقهی ولایت از دیدگاه نقلی و عقلی به صورت جداگانه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. اما در این پژوهش نقل‌هایی - اختصاصاً آیات قرآن - که به عقل برای پذیرش ولایت حجیت می‌دهد پرداخته شده است. در این نوشتار استنادات قرآنی دلایل عقلی مشروعیت ولایت فقیه با بررسی نحوی کاربرد «حکمت» و تطبیق آن با مسأله ولایت مورد توجه است. زیرا حکمت همنشین کتاب در قرآن کریم مخاطب خاص دارد و انبیا علیهم السلام و امت پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مخاطبان آن هستند. حکمت در این آیات به معنای ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است. بنابراین آگاهی از ولایت ایشان تا قبل از امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از طریق وحی بوده است و بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، عقل در کنار نقل جهت مشروعیت ولایت حجیت می‌یابد. نقض این حجیت بعد از زمان معصومین علیه السلام و در زمان غیبت کبری، نقض غرض و مخالف حکمت خداوند است.

از سوی دیگر کلام خداوند حکیم و چینش کلمات توسط او حکیمانه است و همنشینی کلمات در آیات قرآن کریم، در معنای کلمات تاثیر گذار است. یکی از این همنشینی‌های حکیمانه، همنشینی حکمت به معنای ولایت و کتاب به معنای قرآن است. با عنایت به اینکه آیات قرآن کریم، ولایت مخالف خدا و ضد خدا را نهی می‌کند، نمی‌توانیم حکمت همنشین کتاب را به معنای هر ولایتی که شامل ولایت طاغوت هم می‌شود بگیریم، زیرا قرآن ولایت مخالف و ضد خدا و خدایی خدا را نهی می‌کند. اگر ولایت طاغوت را از صفات صلبی این ولایت نگیریم، در این صورت کتاب و حکمت ناقض و نافی یکدیگر می‌شوند. بنابراین طاغوت از صفات سلبی ولایتی است که آیات قرآن کریم به دلایل عقلی مشروعیت آن حجیت می‌دهد. از سوی دیگر آیات قرآن کریم، روایات و عقل، دلایلی برای ثبوت فقیه بودن ولایت مطرح کرده‌اند، که از مجموع اینها به دست می‌آید که اقتضائات همنشینی حکمت و کتاب در قرآن کریم به دلایل عقلی در کنار دلایل نقلی جهت مشروعیت ولایت فقیه حجیت می‌دهد. به بیان دیگر می‌توان از همنشینی «حکمت» و «کتاب» در قرآن، حجیت ولایت حتی در زمان غیبت امام معصوم و برای ولایت ولی فقیه را استنتاج کرد.



## فهرست منابع

### کتاب

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الأملی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- ۴- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
- ۵- ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغه، لبنان: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷ م.
- ۶- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- ۷- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، محقق و مصحح: عبد السلام محمد هارون، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ۸- اراکی، محسن، نظریه الحکم فی الاسلام، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۵ ق.
- ۹- بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- ۱۰- تفلیسی، حبیب بن ابراهیم، وجوه قرآن، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۵۹ ش.
- ۱۱- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۷ ق.
- ۱۲- جوادی آملی، عبد الله، ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۳- رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ۱۴- راغب اصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالعلم - دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۵- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه ی علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.

- ۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه‌ی تفسیر جوامع الجامع، مترجم: مترجمان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۷- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجم: مترجمان، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
- ۱۸- طریحی، فخر الدین بن محمد علی، مجمع البحرين، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۹- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمیه، ۱۳۸۱ ق.
- ۲۰- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ۲۱- فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: موسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
- ۲۲- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
- ۲۳- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.
- ۲۴- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق.
- ۲۵- مصباح یزدی، محمد تقی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۰ ش.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۷- موسوی خمینی، روح الله، کتاب البیع، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۱ ق.
- ۲۸- میدی، رشید الدین احمد بن ابی سعد، کشف الاسرار و عدة الابرار، محقق: علی اصغر حکمت، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۱ ش.
- ۲۹- نراقی، ملا محمد مهدی، انیس الموحدین، مصحح: شهید قاضی طباطبائی، تهران، دارالزهرا، ۱۳۶۹ ش.

## مقاله

- ۱- برنجکار، رضا، مفهوم حکمت در قرآن و حدیث، فصلنامه مبین، ۱۳۸۸.
- ۲- رضائی، غزاله، غلامعلی، احمد، مرادی، محمد، همنشینی حکمت و کتاب در قرآن و زایش مفهومی نو، پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۱۳۹۹، ش ۲۶.
- ۳- شاکر، محمد کاظم، نگاهی دیگر به معناشناسی کتاب و حکمت، مجله پژوهش دینی، ۱۳۸۰، ش ۳.
- ۴- شریفی، مهین، بررسی واژه‌ی حکمت در قرآن، نشریه‌ی بینات، ۱۳۷۹، ش ۲۵.
- ۵- مظاهری، حسین، ولایت فقیه از منظر عقل و قرآن، نشریه حکومت اسلامی، ۱۳۸۹، ش ۱.
- ۶- مومن، محمد، مبادی ولایت فقیه، مجله حکومت اسلامی، ش ۲.

## پایان نامه

- ۱- پاشایی، حسن، بررسی تطبیقی مفهوم حکمت در قرآن و عهدین، پایان نامه کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ۱۳۸۹ ش.
- ۲- حسینی ترکستانی، سید امیر حسین، ولایت فقیه در اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- ۳- طالبی، سید علی، مفهوم شناسی حکمت در کتاب و سنت با تاکید بر آرا فلاسفه‌ی مسلمان، پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۶ ش.

